

پرسش ۱۰۴: معنای آیهی (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا...)؟

سؤال / ۱۰۴: ما معنى قوله تعالى: (أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (410)، وقوله تعالى: (أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ) (411)؟

معنای این سخن خداوند متعال چیست: (آیا هنوز ندانسته‌اند که ما از اطراف این زمین می‌کاهیم، و خداوند حکم می‌کند، و هیچ چیز حکم او را فسخ نمی‌کند، و او سریع‌الحساب است؟) (412) و نیز می‌فرماید: (آیا نمی‌بینند ما قصد این زمین می‌کنیم و از اطراف آن می‌کاهیم؟ آیا آنها پیروزند؟) (413).

الجواب: الأرض تزداد بنزول النطف إليها وتنقص بارتفاع النطف منها، وتحصل هذه الزيادة والنقصان بدخول إنسان جديد إلى هذا العالم الجسماني، أو بخروج إنسان من هذا العالم الجسماني بالموت. والمذكور في الآيات هو نقص الأرض أي بخروج النطف منها بسبب الموت.

پاسخ: با فرود آمدن نطفه‌ها بر زمین، بر آن افزوده و با بالا رفتن نطفه‌ها، از آن کاسته می‌شود و این زیادت و نقصان به سبب وارد شدن انسانی جدید به این عالم جسمانی یا خروج انسان از این عالم جسمانی به وسیله‌ی مرگ، می‌باشد. در آیات ذکر شده فروکاستن زمین، یعنی با خارج شدن نطفه از آن به سبب مرگ ایجاد می‌شود.

أما أطراف الأرض فهم الحجج (عليهم السلام) من الأنبياء والمرسلين والأئمة (عليهم السلام)، فطرف الشيء نهايته وآخره أو بدايته وأوله، وفي طرف الأرض الحجة عليه السلام على أهل الأرض؛ لأنه سبب الفيض النازل من السماء إلى الأرض، فموضع اتصال هذا الفيض هو أطراف الأرض، وذلك أن هذا الفيض هو نور يتجلى في الأرض من الطرف إلى الطرف، ولولاه لساخت الأرض بأهلها ولعادت عدماً.

اما اطراف و کناره‌های زمین همان حجت‌های الهی از انبیا، فرستادگان و ائمه (علیه السلام) می‌باشند و کناره‌ی چیزی یعنی نهایت و آخر آن یا سرآغاز و اولش. در کناره‌ی زمین، حجت بر اهل زمین می‌باشد؛ چرا که او سبب فیض نازل شونده از آسمان بر زمین است؛ پس موضع اتصال این فیض، همان اطراف و کناره‌هایی زمین می‌باشد و این از آن رو است که این فیض همان نوری است که در زمین از یک طرف به طرف دیگر متجلی می‌شود و اگر او نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد و به عدم بازمی‌گشت.

**فالحجة هو أطراف الأرض وهو البداية والنهاية، وهو الأول والآخر، فبموت الحجة (عليه السلام) تنقص الأرض من أطرافها، ولولا وجود من يخلفه حجة لله في أرضه لساخت الأرض بأهلها، إذا خلت من موضع لنزول فيض الله ونور الله سبحانه وتعالى إلى الأرض:**

پس حجت، همان طرف و کناره‌ی زمین است، و او ابتدا است و انتها، و او اول است و آخر. با مرگ حجت (علیه السلام) از اطراف و کناره‌های زمین کاسته می‌شود و اگر نبود کسی که جانشین او -حجتی برای خداوند در زمینش- باشد، زمین اهلش را در خود فرومی‌برد، اگر زمین از موضع نازل شدن فیض خداوند و نور خداوند سبحان و متعال، خالی گردد:

**(وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ \* أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ) (141).**

(اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنها وعده کرده‌ایم به تو بنمایانیم، یاد تو را (پیش از وقت) بمیرانیم، در هر حال آنچه بر عهده‌ی تو است تبلیغ است و آنچه بر عهده‌ی ما است، حساب کشیدن \* آیا هنوز ندانسته‌اند که ما از اطراف این زمین می‌کاهیم، و خداوند حکم می‌کند، و هیچ چیز حکم او را فسخ نمی‌کند، و او سریع الحساب است؟). ([415])

(بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ) ([416]).

(بلکه ما آنها و پدرانشان را بهره‌مند کردیم تا آنجا که عمرشان به درازا کشید. آیا نمی‌بینند ما قصد این زمین می‌کنیم و از اطراف آن می‌کاهیم؟ آیا آنها پیروزاند؟). ([417])

وفي كلتي الآيتين تذكير بالموت والرجوع إلى الله الذي لا بد منه، فإذا كان موت الحجج (عليهم السلام) ووفاتهم أمراً حتمياً، فموت من سواهم من الناس الغافلين عن ذكر الله أولى وأحجى، (وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ) ([418]).

در هر دو آیه یادآوری مرگ و بازگشت به خداوند که از آن گریزی نیست وجود دارد، که اگر مرگ حجت‌ها (علیه السلام) و وفات آنها رخدادی حتمی باشد، پس مرگ دیگر مردمان غافل از ذکر خدا اولی و منطقی‌تر می‌باشد: (ما پیش از تو هیچ بشری را جاودان نساخته‌ایم. اگر تو نیز بمیری، چگونه آنها جاودان بمانند؟). ([419])



[410] - الرعد : 41.

[411] - الأنبياء : 44.

[412] - رعد: 41.

[413] - انبیا: 44.

[414] - الرعد : 40 - 41.

[415] - رعد: 40 - 41.

[416] - الأنبياء : 44.

[417] - انبیا: 44.

[\[418\]](#) - الأنبياء : 34.

[\[419\]](#) - انبياء: 34.